

یک‌شنبه ۱۲ مرداد ۱۳۹۹ | ۱۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ | ۲۰ آگوست ۲۰۲۰

اخبار

نهاد کتابخانه‌ها خود را با شرایط کرونا سازگار کرده است

احمد شعبانی عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان در گفتگو با خبرنگار مهر، درباره فعالیت‌های کتابخانه های عمومی در ایام شیوع کرونا در کشور گفت: پیشامدی که به‌صورت ناگهانی رخ می‌دهد و به‌وضعیتی خطرناک و ناپایدار برای فرد یا جامعه تبدیل می‌شود، بحران نام دارد. در واقع، بحران به وضعیتی گفته می‌شود که برای رفع آن به اقداماتی اساسی نیاز است. در منابع آکادمیک بحران به انواع مختلفی همچون بحران های شخصی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، بین المللی و زیست محیطی تقسیم می‌شود. وی افزود: با این‌حال بحران بهداشتی ناشی از کووید ۱۹، در یک قرن اخیر بحرانی جدید محسوب می‌شود؛ شاید واپسین نوع از بحران به این‌صورت گسترده، بحران‌های مسری بهداشتی در جنوب اروپا از جمله اسپانیا بوده است. این بحران نیاز به مدیریت داشت. مدیریت بحران شامل فرایند پیش‌بینی و پیشگیری از وقوع بحران، مداخله در بحران و سالم‌سازی برای مباحث بعد از وقوع بحران است. این‌استاد دانشگاه ادامه داد: اواخر سال ۱۳۹۸ با وقوع این‌بحران بهداشتی برای جامعه ما، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور از سه‌طرفت خود، نهاد با شرایط کنونی سازگار کرد؛ نخستین مرحله، بهره‌جویی از فناوری بود تا ارتباط بین کتابداران حفظ شود؛ دومین مرحله، موضوع دور کاری بود که نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور تلاش کرد به استفاده از این‌سازوکار، موجودیت و ماهیت خدماتی خود را در ابعاد فرهنگی و اجتماعی حفظ کند. در مرحله بعد با تداوم بحران، میحت مراقبت‌های بهداشتی و استفاده از لوازم بهداشتی در کتابخانه‌ها مورد توجه قرار گرفت که در نتیجه این‌اقدام، خوشبختانه از نسری بیماری ر کتابداران جلوگیری شد و در این‌باره گزارش‌های وسیعی نرسید. پیگیری این سه مسأله به گمان من توفیق‌آمیز بوده است. شعبانی گفت: عملکرد نهاد در این دوران برای حفظ ارتباط با مخاطب، از دو منظر حائز اهمیت بود. نخست این‌که با توجه به جدید بودن بیماری برای جامعه، موضوع آموزش کتابداران از طریق پروتکل‌ها، نشست‌ها و دوره‌های آموزشی مدنظر قرار گرفت. علاوه بر این، با توجه به کاربران، برای رفع خلأهای موجود در جامعه تلاش شد؛ در این ایام گفت: همه ما به حفظ قرنطینه خانگی و عدم تماس با دوستان و بستگان سفارش شده‌ایم، برنامه‌هایی تدارک دیده شد تا دشواری خانه‌نشینی برایمان سهل شود. نکته حائز اهمیت این‌است که در تدوین این برنامه‌ها به ویژگی‌های جمیعت‌شناختی توجه و برنامه‌هایی متنوع با در نظر گرفتن گروه‌های مختلف سنی و علائق متفاوت ویژه هر قشر، پیش‌بینی شد. وی ادامه داد: این‌امیان برخی از برنامه‌ها جنبه کاربردی دارد که راهنمایان آموزش‌های نقاشی و برنامه‌های ساخت کاردرستی در این‌دسته از فعالیت‌ها قرار دارد. دسته‌ای دیگر از برنامه‌ها جنبه نظری دارد که پیش‌های کتابخوانی و داستان‌نویسی در این‌گروه قرار می‌گیرد؛ همچنین برنامه‌هایی تعاملی نیز مورد توجه قرار گرفت و نهاد سعی کرد با تشکیل مداخله ای نشست‌های مجازی خدمات شایسته‌ای به کاربران ارائه دهد. علاوه بر این، برگزاری دومین جشنواره کتابخوانی رضوی و توجه به زمینه‌های مطالعاتی که توانست کاربران بیشتری را به بحث مرتبط که اوقات فراغت جلب کند، بسیار هوشمندانه بود. نهاد همچنین با راه‌اندازی پویش اقتراح مسک به سلیقه و فرقیه کاربران و استفاده از هنر آنها برای بهبود شرایط جامعه نیز توجه کرد.

از آلپ سوئیس تا آلپ ایران؛ جاذبه‌های عشایر برای سوئسی‌ها

حبیب محسن‌حسینی اولین راهنمای گردشگری استان چهارمحال و بختیاری به خبرنگار مهر گفت: گردشگران خارجی این استان معمولاً به مراجعه به سایت‌ها با جاذبه‌های گردشگری اینجا آشنا می‌شوند. این گروه‌های توریستی از اروپا و کشور سوئیس برای دیدن جاذبه‌های طبیعی می‌آیند و از طبیعت چهارمحال و بختیاری به عنوان آلپ ایران می‌کنند. اگرچه که خودشان جاذبه طبیعی کوه‌های آلپ را دارند اما جاذبه‌ای به نام عشایر را ندارند در واقع عشایر برای استان پتانسیل مهمی هستند. گردشگران خارجی دوست دارند در کنار آنها چند روزی زندگی کنند حتی نان بپزند و یا شیر بدهند. آنها وقتی از اینجا می‌روند گروه دیگری را معرفی می‌کنند تا در ایران سفر کنند. وی گفت: اروپایی‌ها با این جاذبه آشنا هستند اینکه عده‌ای با خانواده کوچک کنند و عده‌ای با ماشین و با اینکه زن و بچه‌هایشان را از راه ساده عبور دهند و خودشان از مسیرهای سخت کوچ کنند. قطعاً عشایر ما هم از تکنولوژی روز تأثیر گرفته اما هنوز جاذبه مهمی برای استان است. او با اشاره به ساخت مستند رؤیای ممنوعی گفت: سه نوع کوچ در استان انجام می‌شود یکی افرادی که با خانواده خود کوچ می‌کنند دیگری کوچ با ماشین و نوع دیگری از کوچ که ایل زن و کودکشان را از راه‌های ساده‌تر می‌فرستند و خودشان پیاده مسیریهای سخت را می‌روند. در یکی از این مسیرها که مستند رؤیای ممنوعه نیز ساخته شد من آنها را همراهی کردم.

این راهنمای گردشگری با بیان اینکه این استان را با طبیعت‌گردی، رفینتگ در آب‌های خوشان و کوهنوردی و طبیعت بکر و شاینبرش می‌توان معرفی کرد گفت: متأسفانه برای طبیعت‌گردی استان و اینکه در استان چه ثروتی وجود دارد تبلیغی نمی‌شود در واقع جاذبه‌های این استان در کفتی از طبیعت و برف مدفون شده است. ما در ملکش شهرهای گردشگری حضور نداریم در حالی که اصفهان با شهرکرد یک ساعت فاصله دارد. همه گردشگران تنها برای دیدن طبیعت با بیزن نمی‌آیند کسی که بخواهد فرهنگ را ببیند می‌تواند با اقل کوه‌های به چهارمحال و بختیاری بیاید. اکنون استان همدان از استان چهارمحال و بختیاری در تبلیغات و جذب گردشگر جلوتر رفته است.

معاون فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران برنامه‌های این سازمان به مناسبت دهه ولایت با عنوان «همیشه امیر» را تشریح کرد. **به گزارش امتیاز**، سید علیرضا فاطمیان پور معاون فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران برنامه‌های این سازمان به مناسبت دهه ولایت با عنوان «همیشه امیر» را تشریح کرد و گفت: این برنامه‌ها از عید سعید قربان تا عید غدیر خم به دلیل شرایط شیوع ویروس کرونا عمدتاً به صورت مجازی برگزار می‌شود.

وی اظهار کرد: دو پوش مجازی «عید عهد» با موضوع عهد اخوت و «فقط به عشق علی(ع)» با هدف جمع‌آوری کمک‌های نیکوکاران برگزار می‌شود. همچنین مسابقه عکاسی «پلاک ۱۱۰» با موضوع سردرهایی که مزین به اسامی، القاب، اشعار و… منتخب به امیرالمؤمنین(ع) هستند، نشست تخصصی با موضوع امام شناسی با عنوان «زندگی با غدیر»، برنامه «بيت الشهداء با محیان علی(ع) است» با هدف تکریم خانواده شهدای سادات و برنامه «ماده غدیر» با برپایی ۲۲ جایگاه پخت طعام با رعایت پروتکل‌های بهداشتی با حضور نمایندگان وزارت بهداشت در میدان امام حسین(ع) و اطعام ۱۰ هزار نفر از مستمندان تعدادی از برنامه‌های «همیشه امیر»

معاون فرهنگی سازمان فرهنگی هنری ادامه داد: همچنین برنامه‌های «تا همیشه غدیر» با راه‌اندازی سه دستگاه ترپلر با گل‌آرایی و اجرای برنامه‌های فرهنگی در سطح شهر، «بیعت‌های شب به‌سپر مجازی با بهره‌گیری از ظرفیت کانون‌های ادبی سازمان فرهنگی هنر و «برکه و رود» با نقالی و پرده‌خوانی درباره عید غدیر در ایستگاه‌های

خواهد بود.

نظام بهرامی کمیل دکتری جامعه شناسی و نویسنده کتابهای «نظریه رسانه ها»، «روابط عمومی در ایران»، «گونه شناسی روشنفکران ایرانی»، در گفتگو با خبرنگار مهر، حول مسئله «تمنای شهرت و نسبت سلبریتی‌ها با شهرت می‌گوید: پیش از شروع بحث او اشاره کوتاهی به تفاوت «سلبریتی» با «مشهوران» داشته باشم. سوپرستار یا همان تک ستاره به فردی گفته می‌شود که در حوزه و رشته تخصصی خود سرآمد دیگران است. هرچند این واژه بیشتر در حوزه هنر و ورزش مصداق دارد اما می‌توان آن را در سایر حوزه‌ها هم بکار بست. براند مثال شجریان، الهی‌قوام‌هی، نیکی کریمی و یا حتی رضایی‌دانی مانند مرید مرادخانی سوپر استاره‌های حوزه خود هستند. سلبریتی؛ فردی است که مشهور و در نزد عموم مردم شناخته است. به همین دلیل در گذشته سلبریتی با صفت «هردمی» بودن شناخته می‌شد و امروز کاربردش بیشتر به افراد شناخته شده در فضای مجازی اشاره دارد. البته من در ادامه بحث به ویژگی‌های جامعه می‌پردازم و اینکه سلبریتی یا سوپرستاره‌ها چه ویژگی و شرایطی دارند باید در بحث جداگانه‌ای مطرح شود.

در ادامه گفتگو با او را می‌خوانید

*** مستندات میل به پرستش یا تقلید از دوران یونان باستان و وجود ربالنوع‌ها در تاریخ دیده میشه، از نظر شما سلبریتی‌های امروز ربالنوع‌های دیروز هستند ؟**

شاید برخی کارکردهای رب النوع های قدیم با سلبریتی‌ها مشابهت‌هایی داشتند؛ برای مثال هواداران یک سلبریتی برای مدتی با دنبال کردن یک سلبریتی برای خود نوعی هویت و معنای زندگی دست و پا کنند اما در کل سلبریتی‌ها را نباید با خدایان قدیم مقایسه کرد؛ زیرا جنس این دو با هم کاملا متفاوت است و در دو دنیای مجزا عمل می‌کنند. انسانها رابطه ایمانی با خدایانشان دارند و آنها را آفریننده خود و دنیای پیرامونشان می‌دانند و مهمتر از همه اینکه هیچگاه خود را از جنس خدایان نمی‌دانند. اما سلبریتی و سوپرستاره‌ها بر اندازه هم معروف و در در از دسترس باشند از جنس شما هستند و اتفاقاً همین انسان بودن و از جنس ما بودن باعث میشود که در دنیای امروز برای ما جذاب باشند. به سخن دیگر؛ ممکن است برخی کارکردهای خدایان در قدیم با سلبریتی‌ها در جهان امروز مشابه باشند اما این را نباید تعمیم داد و نباید هر دو را از یک جنس دانست.

*** چه عاملی مردم را سلبریتی خواه می‌کند؟**

در این زمینه می‌توان به عوامل متعددی اشاره کرد از فضای زیرساختی مانند گسترش تکنولوژیهای نوین ارتباطی و فضای مجازی گرفته تا وجود پدیده‌های ذهنی و فرهنگی مانند تغییر سبک زندگی و روابط خانوادگی، مدرگرایی، نیاز به کنکاش و کنجکاوی، تفریح و سرگرمی، ایجاد هیجان، سرعت گرفتن و سطحی نگری در امور و غیره. البته خیلی راحت هم هست که این پدیده را به نظام سرمایه‌داری و نئولیبرالیسم نسبت دهیم که هیچ ارزش تحلیلی ندارد و چیزی به دانش ما اضافه نمی‌کند زیرا گروه‌هایی نیست که بنیادیم اگر امروز نظامی سرمایه‌دار یا نئولیبرال نباشد چه وضعیتی در آن حاکم است و یا چه مشکلاتی دیگری در آنجا ممکن است وجود داشته باشد که ما امروز ندانیم.

من می‌خواهم بر روی یک عامل خاص تأکید کنم و آن هم ایجاد نوعی حس مشارکت و همراهی جمعی است. فردی که هیچ‌گونه مشارکتی در جامعه ندارد و فضای اجتماع به گونه‌ای نیست که افراد نمی‌توانند دور هم جمع شوند و کار گروهی انجام دهند؛ نیاز به باهم

معاون فرهنگی سازمان فرهنگی هنری تشریح کرد:

«همیشه امیر»؛ برنامه‌های متنوع سازمان فرهنگی هنری در دهه ولایت



مترو برای شهروندان پیش‌بینی شده است.

وی با اشاره به تولید و انتشار گسترده محصولات فرهنگی هنری به مناسبت دهه ولایت در فضای مجازی افزود: کلیپ‌های «جانشین» با پرداختن به سیر جانشینی انبیا الهی تا رسیدن به پیامبر اکرم(ص)، «وقتی مهتاب باد» با موضوع عقد اخوت شهید علی خوش لفظ با ۹۰ شهید دفاع مقدس، «اینجا چراغی روشن است»

تفاوت سلبریتی، سوپرستار و اینفلوئنسر

لایک به جای مشارکت اجتماعی

بودن یا دنبال کردن یک سلبریتی در فضای مجازی برطرف می‌شود. شما نگاه میکنید این آقای اشپز یا این خانم هنرپیشه چند هزار فالور دارد و احساس می‌کنید به نوعی با آنها نزدیک و همراه هستید و حس می‌کنید که با یک کلیک و لایک کاری کرده اید. البته نباید از آن حس کنکاش و فضولی هم که ما ایرانیها بطور تاریخی داریم و برای مدتی میدان کافی نداشت غافل شد. چند سال پیش که وبلاگ نویسی وبلاگ گردی رایج شده بود این را گفته بودم؛ قبلاً زن‌ها سرکچه و روی پله خانه‌ها می‌نشستند و حرف‌های روزمره را رد و بدل می‌کردند و در کار دیدگان فضولی می‌کردند حالا بعضی‌هایشان که لسانس گرفته اند و آپارتمان نشین شده‌اند و امکان چنین کاری را ندارند رفتند و آن یک وبلاگ زدند و برای مثال از زمان و مکان و رنگ پی پی فرزند دل بندشان مینویسند و دوستانشان هم به به و چه چه می‌کنند!

*** به عنوان یک جامعه شناس سلبریتی‌ها چه آسیب‌هایی برای جامعه دارند؟**

قبل از هر چیز باید بگویم در آسیبهای سلبریتی‌گرایی نباید اغراق کرد و آن را بهانه‌ای برای محدودیت و ممیزی بیشتر کرد. برخی افراد خیلی علاقه دارند با اشاره به آسیبهای این حوزه نتیجه بگیرند که سلبریتی‌ها باید رصد، بازخواست و هدایت شوند. بنظر من این نوع نگاه به انسانها دیگر یعنی آن‌ها را کودک و نابالغ فرض کردن آسیب‌به مراتب بیشتر گسترش سلبریتی‌گرایی است. سلبریتی‌ها در همه جوامع هستند و اگر فکر می‌کنیم خیلی از دیگران عقل و پاک و صالح‌ترین حداکثر مسؤولیت داریم به گسترش انگیزی و نقد و گفتگو کمک کنیم. تا شاکلی خصوصی و جرم مشخصی در کار نباشد نمی‌توان افراد را به دلیل اینکه نظرشان را می‌گویند و عده‌ای آن نظرات را قبول می‌کنند محدود کرد. ممکن است یک سلبریتی بگوید: «خوردن نوشابه هیچ ضرری ندارد و پدر بزرگ من هشتاد و پنج ساله که سه وعده نوشابه می‌خورد و مرض قند هم نگرفته است.» خوب حالا باید این فرد را بازداشت کنیم در حالی که مخاطبانشان صدها مطلب و پیام عملی از پزشکان دریافت کرده‌اند که مصرف نوشابه برای بدن مضر است.

اما در مورد آسیبهای سلبریتی‌گرایی معتقدم این آسیب‌ها به اکثر موارد ریسه در جابهای دیگری دارد که کمتر به آن‌ها اشاره می‌شود. برای مثال شما در مورد انتخابات به ویژه انتخابات شورای شهر دیدید که یک سلبریتی یا یک سوپر استار شانس بسیار بیشتری برای اوردن و منتخب شدن دارد. بنظر من حتی اگر یک سوپر

استار ورزشی یا یک بازیگر مطرح سینما مثل دایی یا هدیه تهرانی کاندید انتخابات ریاست جمهوری شوند شانس پیروزی بسیار زیادی دارند. خوب این وضعیت نه تقصیر آن سوپر استار است نه تقصیر آن مردمی که به او رای داده‌اند نیست، وقتی توسعه سیاسی را فراموش کرده باشید و برای مثال نظام حزبی قوی و واقعی که در آن احزاب ریشه اجتماعی دارند شکل نگرفته باشد و به جای آن با نوعی باندبازی روبرو باشید طبیعی است که یک سلبریتی می‌توان پیروز انتخابات باشد. وقتی هزارتا استاد دانشگاه به هر دلیلی (مغلغ گوئی، عافیت‌طلبی یا فشار بیرونی) نمی‌توانند تحلیل خود از یک پدیده را بگویند، و افراد جامعه هم از کودکی به تن‌پروری و فرهنگ شفاهی اکتفا کرده اند و آموزش ما هم کمیت‌گرا و سطحی بوده است…چرا باید همه کسانوزه‌ها را بر یک سلبریتی شسکت؟ وقتی صفحه و کانال یک آهنگ ساز برجسته دو هزارتا عضو دارد و صفحه و کانال یک خواننده فحاش دو میلیون عضو دارد با باز داشت یا مسدود کردن

در آوایل دهه ی ۱۹۹۰_ مرتبط می‌دانیم. مسلماً این شرایط بهترین موقعیت را برای شروع مناقشه فراهم می‌کند. بدین صورت که بعد از انتخابات اخیر، شدت و میزان لفاظی‌های تفرقه‌انداز _ آنهایی ما هستند _ به میزان چشم گیری افزایش یافته است. تضاد و دوگانگی حاصل از اینگونه سوء رفتارها، به حد کمال خود رسیده است. اما کتاب خانم مهشواری، تاملی برای تجدید نظر، درک مجدد و از همه مهمتر تجسمی دوباره فراهم می‌کند.این کتاب اثری است که در پی مطالعاتی هشت ساله و مصاحبه‌های گسترده با اعضای احزاب مختلف، فعالان سیاسی، هنرمندان و استادان عرصه هنر شکل گرفته و «ماهیت خشونت برخاسته از رنجش» را در راس کندوکاوش قرار می‌دهد. در همین راستا، فصول این کتاب، در موضوعاتی همچون احکام صادره، سیاستمداران و مردم مرتب شده‌اند که منظره‌های آزادی بیان مجمع موسسان هند را که مربوط به هند بعد از استقلال می‌شوند و به دنبال توسعه ماده ۱۹ قانون اساسی (آزادی بیان) آمده‌اند، مرور و نقد می‌کنند

و در پی رسیدن به اصل رفتارهای مجرمانه دیپلماتی هند و رویه ولی‌گرای هندوها را در کنار مناسفه‌های ملی بررسی می‌کنند. (آنچه که فصل چهارم این کتاب راه نوعی پیش‌گویی قوی تبدیل کرده است.)نویسنده در این کتاب بطور خاص در بخشی با عنوان «تنها کمپین بی‌سابق و تند خشونت علیه یک هنرمند» به معرفی Pramad Muthalik یا Maqool Fida می‌پردازد. اما برای خانم مهشورایی ابتدا، کنار گذاشتن مباحته‌ها و

با بیان نکات مهم زندگی مشترک با استفاده از داستان‌های کوتاه‌ای از زندگی حضرت زهرا(س) و حضرت علی(ع)، «حاضرن به غایبان برسانند» که به تولید کلیپ از خطبه‌خوانی مجازی غدیر توسط شهروندان اختصاص دارد و «مولای غدیر» تعدادی از این محصولات مجازی خواهد بود.

فاطمیان پور ادامه داد: همچنین کلیپ‌های «با ولایت تا شهادت» با موضوع ولایت‌پذیری در نگاه و کلام شهید حاج قاسم سلیمانی، «یونا» روایت داستان حضرت ابراهیم و اسماعیل در قالب تئاتر کودک و «تمایش عروسکی سایه» با موضوع ولایت ویژه کودکان منتشر خواهد شد. دو برنامه مجازی «پرده‌خوانی غدیر» و «نقالی علوی» نیز با استفاده از هنر سنتی نقالی به موضوع غدیر می‌پردازند.

وی در پایان گفت: قطعه موسیقی «با ولایت» به زودی تولید و منتشر می‌شود و در حوزه تجسمی نیز نمایشگاه مجازی «انعکاس مولا» با نمایش آثار هنرمندان معاصر در موزه هنرهای دینی امام علی(ع) برپا خواهد شد و شهروندان می‌توانند به صورت مجازی از نمایشگاه بازدید کنند. همچنین برنامه «پوستر غدیر» به انتشار پوسترهای متنوع با موضوع عید سعید غدیر خم در فضای مجازی اختصاص دارد.

تفاوت سلبریتی، سوپرستار و اینفلوئنسر



دومی کسی سراغ اولی نمی‌رود.

*** به نظر شما در ایران سلبریتی‌ها کنش گر اجتماعی هستند؟**

صردصد برخی از آن‌ها به ویژه سوپر استارهای سلبریتی(یعنی کسانی که در کار خود نخبه و در فضای مجازی هم فعال و مشهور هستند)؛ مانند پرریز پرستویی، گوهر خیراندیش، علی کریمی، صادق زیبا کلام یا کنشگر اجتماعی هستند. ما به اینگونه افراد «اینفلوئنسر» می‌گوییم یعنی سلبریتی‌هایی که علاوه بر شناخته شدن، از نظر اجتماعی تأثیرگذار هم هستند. ممکن است بگوئید مگر می‌شود کسی شناخته شده باشد اما تأثیرگذار نباشد؛ پاسخ مثبت است تقریباً همه ایرانیها خواننده‌های معروف پاپ را می‌شناسد. اما اکثر آن‌ها کنش‌گر اجتماعی نیستند. یا در حوزه اندیشه؛ علامه جعفری را صدا و سیما به همه مردم معرفی کرده بود اما من تأثیر اجتماعی خاصی از او ندیدم. البته به هیچ وجه نباید کنش‌گری را خیلی انقلابی یا آرمانی تصور کرد؛ خامی را می‌شناسم که از تجربه بزرگ کردن فرزندان که دچار بیماری اوتیسم بوده میونسد. حدود چهارده هزار فالوور دارد که بروی آنها تأثیرگذار است. به آنها که با چنین مشکلاتی روبرو بوده‌اند آموزش می‌دهد و تجربیات خودش را میگوید از نحوه غذا دادن تا برخورد با واکنش بچه های دیگر؛ و به آنها هم که چنین مشکلی ندارند درس زندگی می‌دهد. سلبریتی دیگری هم که در حوزه آستیزی یا محیط زیست یا نحوه خرید گیاهان فعال است کنشگری خاص خود را دارد.

*** جامعه‌ای که توسط سوپر استارهایش مدیریت شود چه سرنجامی دارد؟**

عالم اصلی هدایت هیچ جامعه‌ای سلبریتی و سوپر استاره‌هایی نیستند، بلکه جوامع ویژگی‌های دیگری دارند که آنها را در مقابل سوپر استاره‌ها ضعیف یا قوی می‌کند. برای مثال هر چه در جوامع «فردیت» ضعیف‌تر و تحیف‌تر باشد و فضا برای «خلاقت» کمتر باشد جایگاه سلبریتی‌ها برجسته‌تر می‌شود. هرچه افراد استقلال کمتری داشته باشد و تقلیدگراتر باشند، سلبریتی‌ها هر رنکتر می‌شود. اکثر ما فکر میکنیم سلبریتی‌ها در آمریکا و اروپا جولان میدهند درحالی که درکشورهای آسیایی مانند هند و چین و کره جنوبی سلبریتی پروریوم بسیار پررنگ تر هستند. من فکر میکنم اگر خردگرایی و فردیت به معنای استقلال رای گسترش یابد سوپرستار و سلبریتی‌گرایی در حد یک تفریح و سرگرمی کم خطر و کم آسیب باقی می‌ماند و جای تگرانی نیست. اما اگر بر طبل احساسات و هیجانات کوبیده شود و بخواهیم با انواع سرکوبها و محدودیتها جلوی این پدیده بایستم آن را بدتر خواهیم کرد.

اخبار

جهاد سازندگی شغل نیست تفکر است
جهاد سازندگی طی فعالیت خود در دهه شصت، به یک نهاد مردمی و به تعبیری یک دولت روستایی و مردمی تبدیل شده بود. بخش عمده‌ای از عمران و آبادانی روستاها، حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستائیان در آن دوران، به‌دست نیروهای جهاد سازندگی صورت می‌گرفت. از این حیث پرداختن به جهاد سازندگی اهمیت دارد و سردار محمدرضا شمس‌آبادی، یکی از شهدای است که در این محیط رشد کرده و در همین محیط هم به شهادت رسیده است.

زندگی‌نامه این جهادگر شهید در کتاب «دلهره‌های آخرین خاکریز» نوشته محمد اصغرزاده توسط انتشارات راه راه یار روانه بازار نشر شده و شامل خاطراتی است که به دلیل تنوع فعالیت‌های شهید مورد اشاره، غالب کمیته‌های جهاد و فعالیت‌های مختلف جهاد را در برمی‌گیرد.

یادداشتی که در ادامه می‌آید، بررسی کوتاه این کتاب را به قلم معصومه خوانساری در بر می‌گیرد که برای انتشار در اختیار خبرنگاری مهر قرار داده شده است.

مشروح متن این یادداشت را در ادامه می‌خوانیم:
خیلی از ما با نام جهاد سازندگی آشنا بودیم و نام این نهاد را بارها شنیده بودیم و مانوس بودیم با این واژه. «همه ما به جهاد سازندگی» این شعار را با آرمی که داشت از تلویزیون سال‌ها پیش دیده بودیم و در کتاب‌های درسی و در بخش آشنایی با آرم و نشان و کارکرد نهادهای دولتی آن را شناخته بودیم. هرفته از تلویزیون، تحت همین عنوان، برنامه‌ها را می‌دیدیم که با عملکرد این نهاد آشنا می‌شدیم و شاهد ساخت و پیشرفت پروژه‌های جهاد سازندگی بودیم.

عده‌تندی اهدافی که باعث تأسیس نهاد جهاد سازندگی شد عبارت‌اند از: رفع محرومیت روستاها و حرکت به طرف استقلال و خودکفایی کشور و ایجاد زمینه لازم جهت رشد ولای‌ای انسانی روستائیان از طریق مشارکت و دادن خودپداوری به روستائیان محروم از ساده‌ترین امکانات رفاهی و در آخر، بسج قشرهای مختلف مردم جهت سازندگی روستاهای دورافتاده و محروم. شالوده اصلی بنیاد جهاد سازندگی بر پایه محرومیت‌زدایی بود. خاطرمد هست این برنامه تلویزیون هفتگی را ببگیری می‌کردم و از پیشرفت و سازندگی و سخت‌کوشی مسیباش لذت می‌بردم. بعد از ادغام این نهاد با وزارت کشاورزی، هنوز هم اردوهای جهادی هر ساله در ایام تابستان و در مواقع بحران و نیاز کشور، با همت دانشجویان، طلاب و داوطلبان علاقمند به سازندگی تشکیل و در مناطق دورافتاده روستایی و محروم و نازیمند به کمک برگزار می‌شود جهاد سازندگی تنها چهار ماه بعد از پیروزی انقلاب و به پیشنهاد شهیدمحمد بهشتی و تأیید امام خمینی، ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ تشکیل شد. همین اطلاعات کافی است تا ما را با هدف تشکیل و اجرای‌شدن این‌نهاد آشنا کند. کار بزرگ با اهدافی متعالی که می‌توانیم تگه‌هایی از آن را با خواندن زندگینامه شهید محمدرضا شمس‌آبادی در کتاب «دلهره‌های آخرین خاکریز» به تحقیق و تألیف محمد اصغرزاده را نشر «راه یار» بخوانیم و درک کنیم.

«دلهره‌های آخرین خاکریز» با روایت زندگی و فعالیت‌های جهادی سردار شهید محمدرضا شمس‌آبادی شروع و گام‌به‌گام پیش می‌رود. با ازدواج و به دنیا آمدن دو فرزند شهید با سبک زندگی و منش و روحیه انسان می‌گیریم و بیشتر می‌شناسیم.کن کار شناخت شخصیت شهید و در همین راستا با روایت مؤرزی از شغل و هدف محمدرضا شمس‌آبادی با اهداف و رویکرد سازندگی هم آشنا می‌شویم. کتاب «دلهره‌های آخرین خاکریز» در بخش اول ما را با خانواده مذهبی، شخصیت و زندگی ساده و روستایی شهید انس می‌دهد. در ادامه در جریان خدمت در روستائیان مستضعف، می‌شویم که زبان محرومیت‌ها را محمدرضا می‌داند، چون خودش از دل همین مردم است. شمس‌آبادی سد سختی‌ها را شکست و با راه‌اندازی کمیته‌های شورایی روستا، سعی در مشارکت خود روستایی‌ها در پایان دادن به یاد‌گاری به جای مانده از رژیم شاهنشاهی با عنوان خان‌ورعیت، دست به اقدام می‌زند. نکته قابل‌توجه در مکتب شمس‌آبادی که از نقل قول‌ها برمی‌آید این است که شهید، توجه ویژه‌ای به تأسیس و ساخت کتابخانه در دورافتاده‌ترین روستاها داشته است؛ این یعنی برنامه بلند سازندگی. در بخش دوم، زندگی شهید شمس‌آبادی با سخت‌کوشی و فعالیت در پشتیبانی جنگ و حضور در جبهه و فعالیت‌های جهادی و برنامه‌ریزی‌های فدقیش آشنا می‌شویم و محمدرضا با روح بلند به دیگر هم‌زمان خود ثابت کرد که می‌توان با برنامه، صبر و توکل پیش رفت و موفق شد. شهید شمس‌آبادی با محرومیت خود گرفته بود و جنس محرومیت، آدمی‌شناخت و دل‌مردم روستایی بود. پای حرف‌هایشان می‌نشسته و با حوصله به درد دل و ترسانش گوش می‌داده و سپس از خود مردم برای تشکیل شوراهای اسلامی استفاده می‌کرده است این نهاد را هر چه بیشتر مردمی و ملموس نماید، عمران و آبادی روستاها، حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به دست توانای جهاد سازندگی بوده است. محمد اصغرزاده با هوشمندی در دو خط مؤدی هم

به زندگی شهید می‌پردازد و در فاز بعدی و مواری، ما را در سایه روایت‌های اجرایی محمدرضا شمس‌آبادی با اهداف و رویکردها و نقش نهاد جهاد سازندگی در زندگی روستائیان آشنا می‌کند. جهاد سازندگی، نهاد انقلابی که در پیشرفت جیهادی‌اش محروم تاثیرگذار بود در سال ۱۳۷۹ با وزارت کشاورزی ادغام شد و پرونده‌اش بسته شد و امروز در قالب وزارت جهاد کشاورزی به کار خود ادامه می‌دهد. خوشبختانه اصل جهاد از بدین مرتخ نبسته و در روزهای سخت کشور، مردم بسیجی، دانشجویان و طلاب، خودجوش و نظام‌یافته به کمک نیروهای سازندگی آمده و کارها را پیش می‌برند. می‌شود در زلزله، سیلابها، ساخت مدرسه و بهداری و آموزش در بحران کرونا، در همه جا و روستاهای بسیار محروم رد پای تفکر جهادگران سازندگی را دید. کار بزرگ و بدون منتی که با تفکر شده‌ای مثل شهید محمدرضا شمس‌آبادی و درس از زندگی سراسر جهادی‌اش می‌توان به آن تأسی کرد. کتاب «دلهره‌های آخرین خاکریز» نشانمان می‌دهد جهادگران بی‌ادعا، با چه توان و عقیده‌ای به تعهداتشان عمل کرده و دغدغه سازندگی داشتند. اینکه جهاد شغل نیست بلکه تفکری است که در نهاد انسان‌ها رشد می‌کند و به بار می‌نشیند.انتهای وصیتنامه شهید شمس‌آبادی آمده است: «دوست ندارم که از نام من سوء استفاده شود، بلکه هدف رضای خداست، … و همچنین از برادران جهادگر همی طلبیم و ان‌شالله که جهاد را با حفظ ارزش‌ها به پیش ببرد تا این بازاری انقلاب دچار نقص نشود که راه درازی در پیش است.»